

کتابخانه و نقاشی خلی کاخ گلستان

۱

صد کلمہ قصاص حضرت

علی علیہ السلام



1344
1344

کتابخانه دولت علیه ایران ۹۸

نمبره ۱۱۲۳۴

مصنف	اسم کتاب
بیچہ زبان	در چه عالم
تاریخ تحریر ۲۹	اسم محرر
بیچہ خط و قلم	روی کاغذ
عدد سر لوحه	عدد صورت
عدد اوراق ۳۴	جلد کتاب
قطع کتاب	ورق مذهب
بک نسخه در چند جلد	متن و حاشیه
ملاحظات	ملاحظات

۱۸۶۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِنَايِجِ يَوْمِ الْاَحْذَاثِ الْعَشِينَ مِنْ شَهْرِ
الْمُبَارِكِ دَرْدَارِ السَّاطِنِ اَصْفَهَائِ

اَبْتِیَاعِ سُدِّ



حضرت میرزا محمد

حضرت میرزا محمد

انسان با بنام شنبه کی نام

میرزا محمد شنبه کی نام
میرزا محمد شنبه کی نام

ما یک است امر عرف قدر صد

میرزا محمد شنبه کی نام
میرزا محمد شنبه کی نام

قیمت کل امر با یک صد و

که خود را با یک پای

قیمت تو با یک حکم



میرزا محمد شنبه کی نام
میرزا محمد شنبه کی نام

لوگشت اخطار با از دقت

میرزا محمد شنبه کی نام
میرزا محمد شنبه کی نام

انسان با بنام شنبه کی نام

میرزا محمد شنبه کی نام

میرزا محمد شنبه کی نام

سینوی که بگوید که
مرد آرا و کسب بند

بشمال الجحش و شاد و وار

مکرر دال است خوان
بازار است خوار بکند
بنا بر جاد و شاد و وار

لا سطر الی مرتقا و نظر الی قافل

بنا بر جاد و شاد و وار
بنا بر جاد و شاد و وار

البحر عصف الابدان الممخت

در دست جمع کن جعبه
تبا جاست کند رنجور

حق در قیمت بپای
چون در علم خود بپای

من عرفت نفس فدا عرفت

کوست مضبوط و آرا
چون نفی و جاد و وار

المزاج و تجریت لسانه

بنا بر جاد و شاد و وار
بنا بر جاد و شاد و وار

بابریت بعد الخ صدق و لی

کرت باید که در شاد و وار
مردان این پند آید

کرندی زیاده است

ماذی شتی ز کشتی

وقال علی السلام لا ارجع

از حد دور باش تا در حد
بجای هیچ نشینی
طرب را خارج از حد
احدا را طلاق نده

وقال علی السلام لا تجتمع

بست کن فتنه را در هیچ
تا توانی هیچ
کلفت دوری را در هیچ

وقال علی السلام لا یودع

دوستی مهر نمی کند با کسی

صداقت اشقام از مردم

کر خواب خدای نمی داند

یسیح برنجی تا ستر از نیست

وقال علی السلام لا طهر من

کر از راه نجی چیزی
و طهر من نیست
بغیر از کبریا

لا ینبغی مع الکبر صدق و لیس

بسیار نیست
و صدق نیست
بسیار نیست

لا شرف مع سوء الادب

کر او را اجل است

بی ادب مردی نمیشود

کرتد عبد المجال بو

ورلر و وعدہ ان دروغ بود

مغنی السائر فی احمد

وزربات شمشیر
در مودت برادران
خضم جان کاران بود

لَا بُرْجَ إِلَّا خَشَعْدُونَ ۚ

A detail from a manuscript showing musical notation on a yellow background. The notation consists of black, stylized, flowing lines with small circles (neumes) attached, arranged in a vertical column. The top and bottom of the page are decorated with blue borders featuring floral and foliate motifs in gold and red.

وفقا على الإسلام الصحيح

سید فیض محمد خان

سود جمع مردم

از راه اخلاص و ادائیگی
تا نماند ز رهبری عاقل

ارزواستخام درونی

تاہم نے زمہ داری عاقل

الزبارة مع زارة صدق وپا

چون باریک
روشنی از رویان
چرا که در جوی
آن باریک است

لاصواب مع ترك المشاهدة

A detail from a manuscript showing a diagonal band of gold leaf with black and red floral patterns, containing several lines of handwritten text in a cursive script.

الامروء مع الكذوب صديق

از مروت کجا فروغ بود

مرکبات در دفع زن مرد

ما فوق دهم از جهاد

بهر اضراف کردن آدم

لا شرف اعلى من الاسلام

که در اسلام شرف است
که در دنیا نیست

لا معول پس من الموعود

که در دنیا معول است
که در آخرت معول نیست

لا شیع الحج من التوبة صدق ولیم

که حج را با توبه صدق است
که حج را با توبه صدق نیست

مذهب شیعیان از کفر است

که شیعیان از کفر نیستند

لا اجنب مرجع مع المحرم

که محرم را با غیر محرم
که محرم را با غیر محرم

لا وفاء لمهلل صدق یلیم

که وفاء را با مهلل صدق است
که وفاء را با مهلل صدق نیست

لا کرم اغرم التلوی صدق ولی

که کرم را با اغرم التلوی صدق است
که کرم را با اغرم التلوی صدق نیست

علم در دست نیست

علم در دست نیست

سألت بقیة

کلان و در زبان کهن
تو شایسته است که بدیاری
چون عشق سیه در دوزخ

المر عدول جمله صدق و

خداوند خدایان
عمر که خدایان خدایان
در دین و دنیا

رحمته اعراف قدره و لم

که غان در کف جنت

رحمت یزدی را پیش ما

که باز تو نیست هیچ

تو که کن رضای علی

لا با پس اجل من تا حد

کوت او بجز این
سلامت اگر بماند
کوت او بجز این

لا مرض اضی من لم

علاجی نیست
بدرستی نیست
بدرستی نیست

لا دارا غنی من بحسب صدق و

نیست از غرور و عادت

نیست از غرور و عادت

مردار عقل جوین سپید
در جمع با پر شکر

وقال علی السلام شمع جراح الکلام

بهریستی بهیستی
بهریستی بهیستی
بهریستی بهیستی
بهریستی بهیستی

نفاق المیزان صدق و بی لای

خار بار دست خلیه دهن
خار بار دست خلیه دهن
خار بار دست خلیه دهن
خار بار دست خلیه دهن

نعمت بجا ملک و خست فی نه به صدق

الکی دار جی سندان مال
کمن اگر در کار خوشی که

قد خور را با انداز که
قدم از صد خور در پهن

اعادة الاعتذار تکریر لای

نار زه کردن بود خانه را
نار زه کردن بود خانه را
نار زه کردن بود خانه را
نار زه کردن بود خانه را

انصح من الملائمة جی صدق

نهیستی بهیستی
نهیستی بهیستی
نهیستی بهیستی
نهیستی بهیستی

اذا لم العت لقص الکلام صدق

مرا انداخت یاقیل
سده شت بود بیا

ست مکن خدازد مکن

ست مکن خدازد مکن

اسمع للغيبة صدق

استماع غيبة صدق
استماع غيبة صدق
استماع غيبة صدق

عند ذكر الصالحين والارحمه

عند ذكر الصالحين والارحمه
عند ذكر الصالحين والارحمه
عند ذكر الصالحين والارحمه

وقال علي السلام الله مع ط

وقال علي السلام الله مع ط
وقال علي السلام الله مع ط
وقال علي السلام الله مع ط

روضة درسيان زيارت

نعت سلمان خواجه گد است

الخرج الغيب من الصبر صدق

الخرج الغيب من الصبر صدق
الخرج الغيب من الصبر صدق
الخرج الغيب من الصبر صدق

الاستماع لحدی بعد صدق

الاستماع لحدی بعد صدق
الاستماع لحدی بعد صدق
الاستماع لحدی بعد صدق

الابرار اعداء انفسهم كمدية

الابرار اعداء انفسهم كمدية
الابرار اعداء انفسهم كمدية
الابرار اعداء انفسهم كمدية

همه سبک را نکرده

در همه دیو سبک است

جبهه مشهوره اول مرغی بزرگ

بزرگ و کوچک
بزرگ و کوچک
بزرگ و کوچک
بزرگ و کوچک

ایکای منظره طاعنی مرغی بزرگ

بزرگ و کوچک
بزرگ و کوچک
بزرگ و کوچک
بزرگ و کوچک

کفری باطن شریفی لایزال صدق

عقلی را که با کفر نیست

بزرگ و کوچک

سحر خوار است همه را

تا نماند هیچ کس از آن

وقال علی السلام الراضع ایما

بزرگ و کوچک
بزرگ و کوچک
بزرگ و کوچک
بزرگ و کوچک

الحرام مع حرم صدق و ایمان

بزرگ و کوچک
بزرگ و کوچک
بزرگ و کوچک
بزرگ و کوچک

محل مرغی عید او ایست خفاف به

که ایست پاسبان کرد

سحر خوار است همه را

وقال علي السلام على اهل بيتي

والمؤمنين
والمؤمنات
والمسلمين
والمسلمات
والمؤمنين
والمؤمنات
والمسلمين
والمسلمات

وقال علي السلام من خطبته

والمؤمنين
والمؤمنات
والمسلمين
والمسلمات
والمؤمنين
والمؤمنات
والمسلمين
والمسلمات

العداوة على اهل بيتي

والمؤمنين
والمؤمنات
والمسلمين
والمسلمات
والمؤمنين
والمؤمنات
والمسلمين
والمسلمات

رب ما غفر يا غفر صدوق يا

والمؤمنين
والمؤمنات
والمسلمين
والمسلمات
والمؤمنين
والمؤمنات
والمسلمين
والمسلمات

لا تخلف علي المنفعة بضاع النور

والمؤمنين
والمؤمنات
والمسلمين
والمسلمات
والمؤمنين
والمؤمنات
والمسلمين
والمسلمات

ايا حرد والربا بعد صدوق

والمؤمنين
والمؤمنات
والمسلمين
والمسلمات
والمؤمنين
والمؤمنات
والمسلمين
والمسلمات

شهو از سرشت آزارم	برود از ساد و بخت	مرلنست اساف صلبت افایه	مرلن قبحا قرحی او و بدوریه	اسعید مرغ خطا بر صدق و لایه	ایچکنی از دست ندر	یکتخت کنگر کج کوش
-------------------	-------------------	------------------------	----------------------------	-----------------------------	-------------------	-------------------

که در شیشه بارود	که در شیشه غناش	اقلبیب اذا کره جمی صق و لایه	وقال علی السلام الا و صقل	لایا لحر یص صق و لایه	فایا و از شیشه آزارم	سرکابا سید یص صق و لایه
------------------	-----------------	------------------------------	---------------------------	-----------------------	----------------------	-------------------------

کدازان شمشیر

وزخلاف مادم در پیش

رَبِّ الْخَالِئِبِ صَدَقَ الْمَسْ

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيد المرسلين
الآل الطيبين الطاهرين
الطاهرين

رَبِّ رَحَابِ يَدَيِ الْكَائِبِ

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيد المرسلين
الآل الطيبين الطاهرين
الطاهرين

رَبِّ اُبْرَاجِ يَدَيِ الْكَائِبِ

که قدم در راه مخوف نهاد

ای باب مراد سوخت

اودازان شمشیر

دیگر از چو سده در ده

وقال علی السدام حکم ضالک

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيد المرسلين
الآل الطيبين الطاهرين
الطاهرين

الشرح جامع المسای الیوم ص

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيد المرسلين
الآل الطيبين الطاهرين
الطاهرين

کثره الوفاق و کثرت الخلفاء

کدازان شمشیر

در فاقای نغوی

سبح شانه می کردی غم

سبح را هست می ده کس بی کار

مرکب شکر فزونی العواقب لم یجهد

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام علی
محمد و آله الطیبین الطاهرین
الطاهرات

اذا حلت المفا و ضلت الدای

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام علی
محمد و آله الطیبین الطاهرین
الطاهرات

اذا حل الصراط بل الخضر و القی

بسم الله الرحمن الرحیم

والصلاة والسلام علی
محمد و آله الطیبین الطاهرین
الطاهرات

آه از این بود در زان شب

عاقبت چون پیش آمد

وقال علی السلام رب طبع فؤاد

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام علی
محمد و آله الطیبین الطاهرین
الطاهرات

ابن سائقی لے ایجر جند و قی

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام علی
محمد و آله الطیبین الطاهرین
الطاهرات

فکل رب تعدد قو مع الخضر

بسم الله الرحمن الرحیم

والصلاة والسلام علی
محمد و آله الطیبین الطاهرین
الطاهرات

سب بہر چندان

دیکھیں بکرا کی گرت

اکرم الادب چسپان خورشید

سب سب ان را در عالم

نیکوئی کی گرت

وقال علی السلام اقم لظہار الحق

سب سب ان را در عالم

نیکوئی کی گرت

اوحس الوہشت المحج صدق لہ

مردان از تو محج

گرتا سب سب کی گرت

تو ان سب را دہا

نہاں کہ دفع او کب نہ

الاحسان قطع المساجد

سب سب ان را در عالم

نیکوئی کی گرت

اشرف الفضل والآداب الملک

سب سب ان را در عالم

نیکوئی کی گرت

اکرم المنسب چسپان الادب

سب سب ان را در عالم

نیکوئی کی گرت

بازار و فروش آسان

که هر چه در دستش

اگر مصالح لغو تخت و لاج

تواند از عقل و در نظر
عقل و در نظر و در نظر

من به بی خصم و بی کاف

تواند از عقل و در نظر
عقل و در نظر و در نظر

اذا مضطرب ما جرو با صد و صد

است از دوا و جادو

سجده و ایستادن

چسب و آینه کهنه

ترا در مضایق و حش

انحالی من الغل صد و بی

تواند از عقل و در نظر
عقل و در نظر و در نظر

الطامع بی و باق الناصف

تواند از عقل و در نظر
عقل و در نظر و در نظر

اخذ و انعام النعم کل شاد

نست خوش را از دوا

ای با نیت سیرت

نوریدج مولیٰ باطل

نوریدج سرادپا

من سب ری فی غمان مدعرا جلد

در مکر کار و مکر باطل
تو علم است که گمان از غنا
از اندام دارد بدیجا و حل

اذا وصل الیک اطراف النعم فاعلم ان النعم

از من است که در مکر باطل
تو علم است که گمان از غنا
از اندام دارد بدیجا و حل

اذا قدر علی عذو فاعلم ان النعم

نوریدج سرادپا
نوریدج مولیٰ باطل

اورس اندام باطل

اورس اندام باطل

من لا عجز و کنه من اعصابه

اورس اندام باطل
اورس اندام باطل

فلسف الا حق فی فیصد

اورس اندام باطل
اورس اندام باطل

سائنس العقل فی قلبه صدق

ست پنهان باطل و در دل
سکندر است باطل و در دل

و اهل حق را که از شما

ایمان جویند شما را

سایه اعلیٰ را قریب صدق

از عالمی که در سخن

نصیحتی را از زبان

قدس الهی را در لایه صدق

از عالمی که در سخن

نصیحتی را از زبان

از عالمی که در سخن

نصیحتی را از زبان

در عالمی که در سخن

نصیحتی را از زبان

ما اهل حق را قریب صدق

از عالمی که در سخن

نصیحتی را از زبان

الهم عظمیٰ را قریب صدق

از عالمی که در سخن

نصیحتی را از زبان

ایمان جویند شما را

از عالمی که در سخن

نصیحتی را از زبان